

روح حق طلبی که آرام نمی‌گرفت

دکتر الرنتیسی متأهل بود و نقش پدری آگاه و دلسوز برای شش فرزندش (دو پسر و چهار دختر) را برعهده داشت. وی چندین سمت در مشاغل عمومی داشت، از جمله عضویت در سازمان اداری آکادمی اسلامی، انجمن پزشکی عرب در نوار غزه (سندیکای پزشکان) و هلال احمر فلسطین. او همچنین در دانشگاه اسلامی غزه از زمان افتتاح آن در سال ۱۹۷۸ به عنوان مدرس دروس علوم، ژنتیک و انگل شناسی مشغول به کار شد. وی در سال ۱۳۶۲ به دلیل امتناع از پرداخت مالیات به مقامات اشغالگر دستگیر شد و در تاریخ ۱۳۶۷/۵/۱ مجدداً به مدت ۲۱ روز بازداشت شد. او و هفت نفر اول جنبش در سال ۱۹۸۷ جنبش مقاومت اسلامی «حماس» را در نوار غزه تأسیس کردند. وی برای سومین بار در ۱۳ بهمن ۱۳۶۷ دستگیر شد و به مدت دو و نیم سال در زندان‌های اشغالی زندانی شد. سال‌ها به دلیل شرکت در فعالیت‌های خصمانه با رژیم صهیونیستی در تاریخ ۱۳ بهمن ۱۳۶۹ آزاد شد و در تاریخ ۱۴/۱۲/۱۹۹۰ مجدداً دستگیر شد و به مدت یک سال در بازداشت اداری به سر برد.

اولین فرمانده «حماس» که بازداشت شد

وی در تاریخ ۱۷/۱۲/۱۹۹۲ به همراه ۴۱۶ نفر از فعالان و کادرهای جنبش حماس و جهاد اسلامی به جنوب لبنان تبعید شد و در آنجا به عنوان سخنگوی رسمی تبعیدشدگان مستقر در اردوگاه بازگشت. در منطقه مرج الظهور ظاهر شد تا رژیم صهیونیستی را مجبور به بازگرداندن آنها کند. نیروهای اشغالگر صهیونیستی بلافاصله پس از بازگشت از مرج الظهور او را دستگیر کردند و دادگاه نظامی رژیم صهیونیستی او را به زندان محکوم کرد و تا اواسط سال ۱۹۹۷ در بازداشت بود. او اولین رهبر جنبش بود که پس از شعله‌ور شدن جنبشش دستگیر شد. در اولین انتفاضه فلسطین در ۹ دسامبر ۱۹۸۷ در ۱۵ ژانویه ۱۹۸۸ دستگیر شد و پس از درگیری بین او و سربازان اشغالگر که می‌خواستند به اتاق خواب او نفوذ کنند به مدت ۲۱ روز تحمل بازداشتگاه انفرادی را تجربه کرد. البته صهیونیست‌ها بدون اینکه بتوانند وارد اتاق او شوند وی را بازداشت کردند. این قیام موفق او برای اخراج صهیونیست‌ها از محل زندگی فلسطینی‌ها بود.

مسئولیت بزرگ حفظ «حماس»

دکتر عبدالعزیز الرنتیسی زندان را ترک کرد تا نقش خود را در رهبری حماس که در سال ۱۹۹۶ ضربه دردناکی از سوی تشکیلات خودگردان فلسطین خورده بود به عهده بگیرد. او شروع به دفاع قاطع از اصول مردم فلسطین و مواضع جنبش جاودانه کرد تا آنها را تشویق به قیام مجدد کند. این امر برای مقاماتی که پس از آن او را دستگیر کردند خوشایند نبود. کمتر از یک سال پس از آزادی وی از زندان‌های اشغالی در ۱۹ فروردین ۱۳۷۷ با فشار اشغالگران به زندان بازگردانده شد اما پس از ۱۵ ماه به دلیل مرگ مادرش از بازداشتگاه فلسطینی‌ها آزاد شد. پس از این ماجرا، سه مرتبه دیگر به بازداشتگاه بازگردانده شد. وی پس از یک دوره اعتصاب غذا، بعد از بمباران هواپیماهای دشمن صهیونیستی، در حالی که در زندان انفرادی زندان مرکزی فلسطین محصور بود و در زمانی که زندان از افسران تخلیه شده بود، آزاد شد.

حفظ قرآن در کنار «شیخ احمد یاسین»

دکتر الرنتیسی در سال ۱۹۹۰ در حالی که با مجاهد «شیخ احمد یاسین»، هم‌بند بود توانست حفظ کتاب خدا را در زندان به پایان برساند و اشعاری دارد که ریشه وطن و مردم فلسطین را در اعماق قلب خود بیان می‌کند. او نویسنده یک مقاله سیاسی است که توسط ده‌ها روزنامه منتشر شده است. وی در ۱۹ ژوئن ۲۰۰۳ در حمله بالگردهای رژیم صهیونیستی به خودروی خود از سوء قصدی که توسط نیروهای اشغالگر صهیونیستی انجام شد جان سالم به در برد و یکی از همراهان وی و تعدادی از رهگذران



مستند من آپاچی را ترجیح می‌دهم

شهادت رنتیسی در مصاحبه‌ای که پس از ترور ناموفقش در پی شهادت شیخ احمد یاسین داشته است جملاتی به زبان آورده است که هرگز از یاد مجاهدان فلسطینی نخواهد رفت: «آیا ما از مرگ می‌ترسیم؟ ما همگی روزی خواهیم مرد، چه با قتل و چه با سرطان... ما همگی منتظر روز پایانی زندگی‌مان هستیم، فرقی نمی‌کند، چه با آپاچی و چه با سخته قلبی، من آپاچی را ترجیح می‌دهم.»



از جمله یک دختر به شهادت رسیدند. در ۲۴ مارس ۲۰۰۴، دو روز پس از ترور شیخ احمد یاسین، دکتر الرنتیسی به عنوان رهبر جنبش حماس در نوار غزه انتخاب شد و جانشین رهبر معنوی جنبش، شهید شیخ احمد یاسین شد.

مردی که راه‌های آسمان را بلد بود...

شهید، دکتر الرنتیسی همواره برای شهادتش آرزوهای متفاوتی داشت. همیشه می‌گفت ترجیح می‌دهم با هلی‌کوپترهای آپاچی صهیونیست‌ها شهید شوم تا اینکه در اثر بیماری بمیرم، پس به خواسته‌اش رسید. ۲۰۰۴/۴/۱۷ میلادی هواپیماهای جنگی رژیم صهیونیستی از نوع مورد نظر فرمانده الرنتیسی وی و تعدادی از یارانش را هدف قرار دادند که دکتر الرنتیسی به همراه دو تن از همراهانش به شهادت رسیدند و از نوار به آسمان پرکشیدند.